

# تنگناهای تربیتی در برنامه‌های مدارس



دفتر مشاوره و تحقیق امور تربیتی (۱۳۶۹)

شناخت دقیق تنگناهای تربیتی، برنامه‌ریزان و مجریان این فعالیتها را یاری می‌بخشد تا بتوانند هر چه هشیارانه‌تر و اصولی‌تر راه آینده خود را بازشناسی کنند. البته هر چند که در یک بررسی اساسی برای دستیابی به برآوردی دقیق از وضعیت «مسئله تربیت»<sup>۱</sup> در مدارس کشور باید در چارچوب یک «طرح یا نظام ارزیابی»<sup>۲</sup> دست به مطالعه مرحله‌بندی شده و منظم زد، ولی نگاهی اجمالی و گذرا بر تنگناهای تربیتی، چشم‌اندازی پیش روی برنامه‌ریزان قرار می‌دهد که بر اساس آن می‌توان مقدمات پرداختن به یک طرح ارزشیابی را فراهم ساخت.

بر این اساس، دفتر مشاوره و تحقیق بر مبنای یافته‌های حاصل از پژوهشهای گوناگون و مسائل عمومی آموزش و پرورش دست به تدوین و ارائه تنگناهای تربیتی در برنامه‌های مدارس زد. این تنگناها در ۹ مقوله اصلی به شرح زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

## ۱- اهداف تربیتی

## ۲- ارزشیابی تربیتی

۳- عدم تطابق برنامه‌ها، راهبردها و اهداف با ویژگیها و مشکلات سنی فراگیران

## ۴- آثار تربیتی محتوای آموزشی

## ۵- تعریف و برداشت و توقع از

## آموزش تربیتی

## ۶- مسئله مشاوره و راهنمایی

## ۷- آموزش مربیان

## ۸- خانواده‌ها

## ۹- کادر اجرایی مدارس

هر یک از مقوله‌های یاد شده دربر گیرنده موارد متعددی هستند که موضوع این مطالعه هستند.

بدیهی است هر گونه برنامه‌ریزی، ارزشیابی، نقد و بررسی و آینده‌نگری درباره مسائل تربیتی دانش‌آموزان باید با عنایت به

این تنگناها باشد.

و اینک تنگناها:

## الف) اهداف تربیتی

روشن نبودن هدفهای پرورشی نظام‌تعلیم و تربیت، به ویژه در قالب بیان اهداف جزئی و رفتاری و اختصاص اهداف این نظام به هدفهای درسی. بنابراین سمت و سوی تربیت در آموزش و پرورش تبیین نشده است و اساساً تعریفی تفصیلی از انسانی که باید حاصل کار باشد مشخص نمی‌شود، به همین علت برنامه‌ها و محتویات آموزشی نیز صرفاً معطوف به هدفهای درسی است که عموماً در چارچوب فراگیرهای ذهنی، محدود و محصور می‌گردد.

## ب) ارزشیابی تربیتی

روشن نبودن هدفهای تربیتی، نبعات و آثار متعددی داشته است، از جمله نبودن نظام ارزشیابی<sup>۳</sup> تربیتی از فعالیتها و روشد دانش‌آموزان؛ و یا به تعبیر بهتر، عدم امکان ارزشیابی. از همین روست که ارزشیابی نظام آموزش و پرورش در فراگیران خود، حتی پس از دوازده سال. محدود به اعلام نظر در کارنامه آموزشی می‌شود که از سویی فقط ناظر بر فعالیتهای درسی است و از طرف دیگر، آن هم برداشت ناقصی است از آموخته‌های ذهنی فراگیران. مع‌الاسف «آموزش و پرورش» همیشه از اعلام نظر در این زمینه، عاجز بوده است و هرگز نمی‌تواند اظهار نظر اصولی و قابل اعتماد درباره افراد تحت تعلیم خود داشته باشد.

## ج) عدم تطابق برنامه‌ها، راهبردها و اهداف با ویژگیها و مشکلات سنی فراگیران

تاکید بر فراگیر محوری و لحاظ کردن اوضاع واحوال، نیازها، مشکلات و ویژگیهای سنی فراگیران در برنامه‌های آموزشی و تربیتی، از عمده‌ترین مسائلی است که در برنامه ریزی آموزشی باید مورد توجه باشد. فراگیران تحت پوشش دورهٔ راهنمایی از ویژگیهایی برخوردارند که بسیاری از آنها در لایه‌های برنامه‌های آموزشی نظام تعلیم و تربیت گم، نابود یا سرکوب می‌شود و مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد یا... به طوری که اساساً کلیت وجودی دانش آموز به عنوان یک موجود مختار، فعال، با عاطفه و سرشار از مسئله و نیاز زیر سؤال می‌رود. عمده‌ترین مواردی که در این خصوص قابل ذکر هستند، عبارتند از:

۱- نامناسب بودن محتوای پاره‌ای از دروس با تواناییهای شناختی دانش آموزان زیر ۱۵ سال که هنوز به مراحل کامل تفکر انتزاعی دست نیافته‌اند.

۲- بی‌توجهی به مسئله هویت بخشی به نوجوانان که از مهمترین نیازهای روانی آنان به شمار می‌رود. در این سنین باید هویت ایشان راه آنان شناساند و تبیین نمود، در حالی که آموزش و پرورش از هر گونه اقدام اساسی در این زمینه عاجز است و بسیاری از نوجوانان در هاله‌ای از ابهام نسبت به هویت خود وارد دوران بعدی زندگی می‌شوند. و نیز بی‌توجهی به امر خودشناسی در دانش آموزان دوره ابتدایی که زمینه ساز مشکل یاد شده است.

۳- بی‌توجهی به رشد اجتماعی دانش آموزان و لزوم ایجاد زمینه برای ارتباط سالم و سازنده با دیگران و ارائه نقش

اجتماعی در گروههای همسالان، بدون عنایت به این که در این دوران، بهترین شرایط برای رشد، آموزش و تربیت نوجوانان را باید در گروههای دانش آموزی جست واز و ویژگی جمع‌پذیری آنان بیشترین استفاده را برد. این در حالی است که نظام تعلیم و تربیت در فضای کلاس و مدرسه و انجام تکالیف درسی و برنامه‌های تلویزیونی در خانه، بیشترین تاکید خود را معطوف به منفرد ساختن نوجوان و قطع ارتباط او با دیگران می‌سازند. یعنی همه چیز دست به دست هم می‌دهد تا نوجوان را از جمع و گروه دور کند!

۴- بی‌توجهی به بحران بلوغ و مشکلات روانی، عاطفی و جسمی ناشی از آن، به طوری که اساساً نوجوان را با فرد قبل و بعد از او به کلی متفاوت می‌سازد و این در حالی است که نظام و روش تعلیم و تربیت از هیچ گونه تحول و تغییری در گذر سالیان تحصیل برخوردار نیست.

۵- ناهمخوان بودن دانش آموزان پایهٔ اول با دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم از نظر بلوغ جنسی، (به ویژه در پسران)، تحولات شناختی و رشد و نیازهای اجتماعی و مشکلات ناشی از این ناهمخوانی در یک مجموعه

۶- مختل ماندن نیروی بدنی و توانایی جسمی نوجوانان در گذر فعالیتهای آموزشی و ایجاد نوعی فشار و استرس

۷- انکای مطلق بر تواناییهای ذهنی به عنوان اولین گامهای یادگیری در حیطهٔ شناختی و مختل کردن تواناییهای دیگر نوجوان

۸- بی‌توجهی به عامل شخصیت به عنوان یک عنصر اصلی و مهم تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی با رکود و افت تحصیلی دانش آموزان در مقابل عامل هوش، پژوهشهای انجام یافته در چهارچوب نظریه

آیزنک<sup>۶</sup> حاکی از این است که عامل شخصیت، دارای بیشترین تأثیر بر پیشرفت با رکود تحصیلی است.<sup>۷</sup>

۹- حساسیت نوجوان نسبت به خانواده و کم دقتی در تأمین و برنامه ریزی برای این حساسیت

۱۰- خیالپردازی بیش از حد و کم دقتی در تأمین و برنامه ریزی برای این ویژگی در دوران بلوغ

۱۱- رنجش و نگرانی نوجوان و جوان از هر گونه دستور، فرمان و زورگویی دیگران و نظام آموزش و پرورش به این نیاز نوجوانان توجه کافی را معطوف نمی‌نماید و در نتیجه، ابراز نگرانی از زورگویی برخی از معلمان به عنوان اصلی‌ترین و مهمترین مشکل دانش آموزان مطرح شده و نزدیک به ۸۰ درصد پسران و ۷۴ درصد دختران از آن رنج می‌برند.<sup>۸</sup>

۱۲- سردرگمی نسبت به تصمیم‌گیری برای آینده در جوانان و عدم ارائه وضعیت روشن از آینده از سوی نظام تعلیم و تربیت

۱۳- نیاز به داشتن دوست صمیمی و ناتوانی در تشخیص دوست مناسب و نامناسب و بحرانی کردن این مشکل از سوی برنامه‌های آموزش و پرورش در دوران بلوغ

۱۴- نیاز به ارزشمند تلقی شدن و مورد حمایت قرار گرفتن از سوی صاحبان قدرت در سنین نوجوانی و سرکوب شدن این نیاز در چهارچوب برنامه‌های مدارس

۱۵- تلاش جدی نوجوان و جوان در راه اثبات شخصیت خود و ممانعت جدی در نظام تعلیم و تربیت

۱۶- بی‌توجهی به روحیهٔ حساس کودک و اتخاذ تصمیمات غیر اصولی در برخورد با آنان به صورت کاربرد تنبیهات بدنی و محرومیت‌های عاطفی و روانی

۱۷- بی توجهی به تفاوت‌های فاحش بین روحیات دانش‌آموزان کلاسهای اول و دوم با دانش‌آموزان پایه‌های سوم و چهارم و پنجم ابتدایی و برخورد یکسان در مواردی مثل تنظیم قوانین و توقعات موجود در مدارس ... و

۱۸- عدم استفاده مناسب و مطلوب از روشهای تربیتی مثل شعر، قصه، بازی، نمایش و... در برنامه‌های درسی<sup>۱۰</sup>

۱۹- عدم کاربرد زبان کودکانه در کتب درسی دوره ابتدایی و تبدیل نوشتارهای کتابها به متونی خشک و دستوری<sup>۱۱</sup>

۲۰- عدم استفاده از روحیه فعال و خلاق دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی

۲۱- تأکید بیش از حد در برنامه‌های درسی بر حیطه شناختی یادگیری و عدم برنامه‌ریزی جهت دستیابی به اهداف حیطه‌های عاطفی و روانی - حرکتی

۲۲- عدم توجه کافی به دروسی چون: هنر، انشا، تربیت بدنی و عدم عنایت به نقش حساس آنها در پرورش استعدادها و خلاقیت هنری، ادبی و جسمی دانش‌آموزان

۲۳- اعمال روش مستبدانه در مدارس که از رشد روحیه اخلاقی، اجتماعی و سیاسی لازم در دانش‌آموزان جلوگیری می‌کند.

۲۴- نیاز جدی نوجوانان به آموختن مسئولیت‌های اجتماعی برای برخورداری از شخصیت اجتماعی و عدم امکان واگذاری مسئولیت اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت برای ارائه نقش اجتماعی؛ به دلیل فردی بودن برنامه‌ها و تأکید بر انضباط کلاسی و فراگیری صرف

۲۵- بی توجهی به مهم‌ترین مشکل ورنج و نگرانی نوجوانان که به اظهار خود ایشان متوجه مشکلات مدرسه‌ای است و مشکلات خانوادگی، بهداشتی، جنسی، جسمی در مرتبه کم اهمیت‌تری نسبت به

آن قرار گرفته است و بنابراین معلوم می‌گردد که مدرسه خود موجب بروزرنج، نگرانی و مشکل روانی، عاطفی و فکری شده است.<sup>۱۱</sup>

۲۶- بی توجهی به عمده‌ترین مشکلات روانی - عاطفی نوجوانان یعنی: پرخاشگری، انحراف جنسی و انزوایی که بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان را دچار خود ساخته است.<sup>۱۲</sup>

### د) آثار تربیتی محتوای آموزشی

۱- افزایش کمی نزدیک به دو برابر حجم کتابهای کلاس اول راهنمایی نسبت به کتابهای کلاس پنجم دبستان که موجب خستگی، زدگی، بی‌علاقگی و سرانجام افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود و اساساً تمایلی به تحصیل به عنوان کاری رضایتبخش را از ایشان سلب می‌کند.<sup>۱۳</sup>

۲- افت تحصیلی و اثرات ویرانگر آن در ایجاد ناکامی‌های روانی - عاطفی - اجتماعی

۳- عدم موفقیت محتوای دینی کتابها در ایجاد برداشت درست و کامل از مفهوم مذهب در ذهن نوجوانان و برخورداری از برداشتی نه چندان درست از دین که اساساً مبنای نارضایتی از دیانت در همین مرحله و با همین شرایط شکل می‌گیرد.<sup>۱۴</sup>

۴- ناموفق بودن برنامه و محتوای آموزشی در ایجاد یادگیری ارزشهای دینی و اجتماعی و ایجاد تقید نسبت به رعایت آنها (مثلاً، مسئله حجاب برای دختران).<sup>۱۵</sup>

۵- ناموفق بودن برنامه و محتوای آموزشی در ایجاد وفاداری سیاسی در نوجوانان<sup>۱۶</sup>

۶- ناموفق بودن برنامه‌ها نسبت به ایجاد خوش بینی و رضایت از دروس دینی و قرآن و معلمان آنها و برخورداری از نگرش مثبت

نسبت به آنها<sup>۱۷</sup>

### ه) تعریف، برداشت و توقع از امور تربیتی

۱- فوق برنامه انگاشتن امور تربیتی و خلاصه کردن مسئله تربیت و نقش امور تربیتی در فعالیتهای غیر رسمی یا فوق برنامه

۲- قلمداد شدن مربیان امور تربیتی به عنوان متولیان امر تربیت در مدرسه و محصور شدن برداشت از نقش معلم در حوزه فعالیتهای درسی

۳- گستردگی و تعدد فعالیتهای تربیتی و اهمیت و نقش بنیادی آن و لزوم برخورداری از تخصص و نقش کارشناسی از فعالیتهای آن و ناتوانی مربیان امور تربیتی در اجرای نقش مورد انتظار و عده امکان تربیت مربیانی که بتوانند عهده‌دار این نقش باشند.

۴- پررنگ بودن مسائل سیاسی در امور تربیتی و مورد غفلت قرار گرفتن مسئله تربیت

۵- نظام و تشکیلات امور تربیتی فقط عهده‌دار فعالیتهای فوق برنامه خود است و در حصار یا پله خود ساخته زندانی است در حالی که لازمه است به مسئله تربیت به عنوان یک رگه حیاتی جاری در کلیه شبکه‌های فعالیتهای تعلیم و تربیت بپردازد و نقش واقعی معاونت پرورشی را ایفا نماید.<sup>۱۸</sup>

۶- پررنگ بودن وجهه سیاسی مربیان امور تربیتی و ایجاد مشکلات اجتماعی ناشی از آن به جای داشتن وجهه و مهارت‌ها و تواناییهای تربیتی

۷- بحران هویت در کلاسهای پرورشی از نظر ارزشیابی، محتوی و شیوه تدریس<sup>۱۹</sup>

## و) مسئله راهنمایی و مشاوره

مسئله راهنمایی و مشاوره از اساسی ترین محورهای کار دوره راهنمایی تحصیلی می باشد که در این خصوص نکات قابل توجهی، آن را درنگنا قرار داده است:

۱- عدم موفقیت دوره راهنمایی تحصیلی در ارائه راهنمایی شغلی، حرفه ای، تحصیلی و عاطفی، به طوری که گذر دانش آموزان از این دوره به دوره متوسطه، عموماً مبتنی بر راهنمایی های آموزشی نیست.

۲- برخوردار نبودن مدارس از وجود مشاوران تربیتی - تحصیلی - حرفه ای و بهداشتی

۳- نبودن تشکیلات و سازمان متصدی مسئله مشاوره در آموزش و پرورش

۴- تعریف غلط و برداشت نادرست از مفهوم راهنمایی در نظام تعلیم و تربیت و محدود ساختن آن به ارائه راهنمایی فردی و خارج کردن آن از نظام درسی و آموزشی

## ز) آموزش مربیان اموزتربیتی

۱- نارضایتی و عدم توجه دانشجویان رشته های پرورشی مراکز تربیت معلم نسبت به برنامه ها و فعالیتهای اموزتربیتی

۲- کاربردی نبودن محتوای دروس آموزش ضمن خدمت مربیان و دوره های فوق دیپلم اموزتربیتی و کارشناسی اموزتربیتی

## ح) خانواده ها

۱- نگرش خانواده های تحت تأثیر نظام آموزش و پرورش به گونه ای است که اساساً میزان و ملاک قضاوت درباره فرزندان خود

را محدود به نمرات دروس آنها می کنند و اساسی ترین توقع و انتظاراتشان از مدرسه نیز همین است. به طوری که توقعات تربیتی آنان از کاهش قابل توجهی نسبت به توقعات آموزشی برخوردار است.

۲- فقدان سیستم آموزشی مطلوب و مفید برای خانواده ها

## ط) کادر اجرایی آموزشگاهها

۱- عدم حساسیت و اهتمام دست اندرکاران مدرسه اعم از مدیران و سایر مسئولان و معلمان نسبت به امر تربیت در مقایسه با اهمیتی که به پیشرفت تحصیلی می دهند، در کلیه رفتارها و تلاشهای تحصیلی دانش آموزان مشهود است.

۲- ناآشنا بودن و عدم تخصص کافی و مطلوب معلمان و سایر دست اندرکاران آموزشی نسبت به مسائل روانی، تربیتی، عاطفی و شرایط و نیازها و مشکلات سنی نوجوانان

۳- جذب هر ساله نیروهای کم تجربه و بدون تخصص به منظور تصدی امر تعلیم و تربیت، بخصوص در دوره ابتدایی که با نوعی سهل انگاری در جذب نیروهای متخصص برای این دوره مواجه است.

۴- زنانه شدن کادر مدارس پسرانه و ناکافی بودن الگوهای مناسب تربیتی در مدارس ابتدایی

● می نویسد

- 1- Education problem
- 2- Evaluation system
- 3- curriculum
- 4- Education
- 5- تحقیق نقد و بررسی کتاب دینی دوم و سوم دبستان (دفتر مشاوره و تحقیق)
- 6- Izenk

- ۷- تحقیق نائیر شخصیت بر پیشرفت تحصیلی - عباس رحیمی نژاد (دفتر مشاوره و تحقیق اموزتربیتی)
- ۸- تحقیق مشکلات رفتاری نوجوانان - دکتر شکوه نوابی نژاد
- ۹- نگاهی به وضعیت شعر در کتابهای فارسی دوره ابتدایی - غلامرضا منقر (دفتر مشاوره و تحقیق)
- ۱۰- نقد و بررسی کتابهای تعلیمات دینی پایه های دوم و سوم ابتدایی - سعیده حسن زاده و غلامرضا منقر (دفتر مشاوره و تحقیق)
- ۱۱- تحقیق بررسی مشکلات دختران و پسران دوره راهنمایی - دانشگاه تهران
- تحقیق مشکلات رفتاری نوجوانان - دکتر شکوه نوابی نژاد (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)
- ۱۲- تحقیق پرخاشگری دانش آموزان دوره راهنمایی - علیرضا مرادی (دفتر مشاوره و تحقیق اموزتربیتی)
- ۱۳- تحقیق مقایسه کنشی کتابهای سال پنجم دبستان و اول راهنمایی - فخرالسادات رهبرنیا (دفتر مشاوره و تحقیق اموزتربیتی)
- ۱۴- تحقیق برداشتهای مذهبی نوجوانان - فاسم کریمی و فخرالسادات رهبرنیا (دفتر مشاوره و تحقیق اموزتربیتی)
- ۱۵- تحقیق حجاب در نگاه دختران دوره راهنمایی - فاسم کریمی و نسرین عباسی (دفتر مشاوره و تحقیق اموزتربیتی)
- ۱۶- تحقیق نگرش سیاسی جوانان - عبدالعظیم کریمی (دفتر مشاوره و تحقیق اموزتربیتی)
- ۱۷- تحقیق نگرش سنجی نسبت به دروس دینی و قرآن و معلمان آنها - فاسم کریمی و نسرین عباسی (دفتر مشاوره و تحقیق اموزتربیتی)
- ۱۸- جزوه جایگاه تربیت در نظام آموزش و پرورش - علی اصغر احمدی (دفتر مشاوره و تحقیق اموزتربیتی)
- ۱۹- تحقیق دیدگاه مربیان شاغل در کلاسهای پرورشی نسبت به برنامه های آن - فاسم کریمی (دفتر مشاوره و تحقیق اموزتربیتی)
- ۲۰- نگرش دانشجویان رشته پرورشی نسبت به اموزتربیتی - فاسم کریمی (دفتر مشاوره و تحقیق اموزتربیتی)
- ۲۱- بررسی دیدگاههای فارغ التحصیلان کارشناسی اموزتربیتی نسبت به محتوای دروس کارشناسی (دفتر مشاوره و تحقیق اموزتربیتی)

